

دولت اقلیت

عباس عبدي

دولت اصطلاحی قدیمی است ولی معنای آن در دنیای جدید متفاوت از معنای سنتی آن است. دولت جدید شامل مفاهیم اساسی چون مردم، سرزمین، قانون اساسی و قرارداد است و ماهیت دولت نمایندگی همه مردم و سرزمین در ذیل قانون اساسی یا قرارداد همه مردم است. بقای دولت جدید مبتنی بر اقتدار و پذیرش عموم مردم است، کارآیی زور و اجبار موقتی است و دولت براساس آن پایدار نمی ماند. چنین دولتی حق انحصاری کنترل ابزار خشونت را نیز دارد. این دولت در قالب نهاد مهم بروکراسی ظاهر می شود که مبتنی بر انتخاب شایستگان است.

شایستگی که بر اثر آزمون های شفاف و عمومی برحسب سطح دانش، تخصص و مهارت انتخاب می شوند و همگی طبق قانون و رویه ها و مقررات رسمی و در ذیل ساختار سلسله مراتبی انجام وظیفه می کنند. هر دولتی که از این قواعد و اصول فاصله بگیرد به همان مقدار فاصله ای که گرفته است، از دولت مدرن و در خدمت مردم بودن دور شده و به دولت پیشامدرن و در اصطلاح دینی طاغوتی تبدیل می شود. در روزهای گذشته وزیر محترم ارشاد اظهار داشت که: «این وزارتخانه تلاش کرده است که همه منابع انسانی خودش را از میان جبهه انقلاب و در سطوح مختلف از افراد شناخته شده، کارکرده و مورد وثوق انتخاب کند... بدنه نیروی انسانی این وزارتخانه با يك کار سخت و پرمناخ در آستانه يك تحول جدي قرار گرفته است و ۴۰۰ نیروی جوان حزب اللهی بعد از ۲ سال کار جدي تا پایان تابستان وارد این وزارتخانه می شوند تا تغییر در بدنه به وجود آید.» این گزاره ها از حیث تطبیق با دولت مدرن یا فاصله از آن قابل نقد است.

۱- لازم به ذکر است که پس از توضیحات يك مقام وزارت ارشاد گفتم بهتر است از انتشار این یادداشت بگذرم ولی چون دیدم اصل سخنان مافوق خود را تکذیب نکرده بهتر دانستم که منتشر شود چون توضیحات مناسبی نبود. باید به همه این پرسشها با دقت پاسخ دهند که مطابق کدام قانون چنین تصمیمی گرفته شده است؟ برای استخدام باید آزمون عمومی و شفاف و با اطلاعیه عمومی انجام شود. به علاوه مجوزهای استخدام چنین افرادی از کجا صادر شده است؟ برحسب چه مجوزی و با چه بودجه ای و بدون اعلان عمومی و طبعاً چراغ خاموش چنین کاری را

انجام داده‌اید؟ اینها پرسش‌های مقدماتی است که امیدواریم پاسخ داده شوند. اگر پاسخ ندهید معنایش روشن است.

2- آنچه به عنوان فرهنگ حزب‌اللهی مدنظر نگاه رسمی است، بعید است که حتی به ۱۰ درصد مردم هم برسد. اتفاقات اخیر موجب بی‌اعتبار شدن این‌گونه شعارها شده است. ضمن اینکه این افراد به لحاظ آموزش و تحصیلات فرهنگی قطعاً از نیروهای واقعی فرهنگی پایین‌تر هم هستند و این به معنای خروج دولت از وضعیت فراگیر ملی و تبدیل شدن به نمایندگی اقلیت ده درصدی است و این آغاز فاجعه دولت است.

3- این افراد را می‌خواهید چه کار کنید؟ آیا قرار است کار فرهنگی کنند؟ اساساً اینکه بخواهید کسی را به این شکل وارد مجموعه کنید تا کار فرهنگی کند نشان می‌دهد که از امر فرهنگ درک درستی وجود ندارد. اگر کسی در سطوح بالای فرهنگی و تولید خلاقانه آن باشد، قطعاً حاضر نیست به استخدام دولت و ارشاد درآید، زیرا در بیرون با استقلال بیشتر و درآمد افزون‌تر فعالیت خواهد کرد. پس اینها در بهترین حالت مانع فعالیت فرهنگی مردم خواهند شد. ولی چه باک که سطحی‌ترین بخش فرهنگ را تقویت خواهند کرد، چون اهل فرهنگ معتبر و والا حاضر به همکاری با آنان نمی‌شوند. به علاوه کسانی که تولیدات ماندگاری در همه زمینه‌های فرهنگی انجام دادند به کلی با جناح مزبور بیگانه هستند. چه در فیلم و موسیقی و تئاتر و چه در نوشتار و هنرهای حجمی و تصویری. حتی يك کار ارزشمند از این جماعت نمی‌توانید نشان دهید.

4 - وظیفه وزرا اجرای سیاست‌های رسمی است آنها را شفاف اعلام می‌کنند و نیروهای وزارتخانه را در اجرای آنها به کار می‌گیرند. اگر کسی انجام نداد با او مطابق قانون برخورد می‌کنند. نیاز به نیروی جدید نیست، مگر اینکه بخواهند تعدادی را به نان و نوایی برسانند و گوش به فرمان انجام سیاست‌های خاص و غیرقانونی نمایند. ذهن خودتان را از این گمان و خیال پاک کنید که چیزی از فرهنگ دارید که اگر انجام دهید، کشور و دنیا متحول خواهد شد. بیش از سی سال مرحوم مصباح و شاگردانش که آقای وزیر در این سخنرانی سنگ تمام برای آنان گذاشتند، همه رسانه‌ها را در اختیار داشتند، اولین دستاوردهای دولت احمدی‌نژاد بود و دومین آن همین دولت است که معیار مذهبی شدن جامعه را پوشیدن لباس سیاه دانسته‌اید. کسانی که چشم بر واقعیات جامعه بسته‌اند، واقعیاتی که از فرط وضوح دیدنشان نیازمند زحمت هم نیست، چنین افرادی نمی‌توانند منشأ خیری در فرهنگ شوند.